



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه 23 اکتوبر 2018

ارسالی: نجیب سخی

کلام : راهی «سی آبی»

مناظره زر و زرگر

تن من کوبی بین دو سنگری
بریزی تن من در آتش و باد
تا تحول آیدم در شکل دوباره
سوهان شبکه با اره مشهور
گوهرم شانی بهر نمایشی
غش افزوده مفاد مساعد گردد
فلز هستی گرت با هنر نه آرم
دانش کارست تا شوی از خاک جدا
آوردم ات به میزان و عیار
اخراج تواز حالت وحش باشد این
جورایام دیدم کسب تدبیر کردم
اندوختم مهارت که نایم پریش
با دستان بمیان آرد ثمری
هر موجود در خود دارد ذاتی مستطر

پارچه زری کرد فغان از زرگری
زین همه ضرب و زد نایدت مراد
به تکرار بکوبی من بیچاره
آنگاه ببری با قیچی و انبور
تا مطابق آیم بفرمایشی
زین جفا ام مزد ترا عاید گردد
زرگر گفت: از ناشکری تو بیزارم
از دامن سنگ و ریگ هر دریا
بیرون ات کردم از قید احتکار
شدی معیاری نه غش باشد این
چون ترا با دستانم تعمیر کردم
نه من همچو تونازم بذات خویش
فرزانه بود آنکه دارد هنری
نه نازد بنسبش گرچه باشد زر

ذات تنویر آنکه شہامت دارد
به هنر خود ترا تصویر کردم
انگشتانم مایه تزئین توست
گرتو زیت دست و بری هستی
میمنت کمال دست منست
نه ذات ات را بعلم من آزمائی
در غیبت من تاهنوز در خاک بودی
کار من ترا فراهم کرده است
گرخواهی در نمائی به روزو گار
علم بدون زر جوشد در هر محضری
راهی آہ سی آبی آہ کن شرح علم

عرق صبر ریزد و نہ محنت بردارد
گداختم ات بقالب تقدیر کردم
دست و دماغم مسئول تمکین توست
با مہ رویان گاہ ہمسفری هستی
این محصول ذہن جناب منست
نہ قرض ات را بنقد من بیپیمائی
زر اما بارزش خاشاک بودی
علم جهانی را منظم کردہ است
بیاموز علم مایہ گیر از کردگار
از زر بدون علم نمائد اثری
جاویدان گردد نام ات از طبع علم